

ادب حضور در محضر اثر تاریخی^۱

سجاد مؤذن^۲

هادی ندیمی^۳

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

رضا ابویی^۴

استادیار دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

کلیدواژگان: ادب حضور، اثر تاریخی معماری، روح مکان، پیر، اهلیت.

چکیده

۱. مقدمه

در زنده انگاشتن آثار تاریخی معماری ایرانی، بدون توجه به قدمت معنادرشان، فقط به کلیات پرداخته شده و هیچ نتیجه کاربردی ندارد. رجوع انسان امروز به اثر تاریخی ادب حضور می‌طلبد و امتداد حیات پویای اثر تاریخی نیز مستلزم حضور انسان مؤدب است و این نیاز دوسویه تضمین‌کننده برقراری ارتباط آن‌ها برای ارتقای سطح کیفی حیات هر دو است. موضوع این مقاله تعریف ادب حضور برای برقراری ارتباط انسان با آثار تاریخی معماری ایرانی است. متروک ماندن آثار تاریخی معماری و حیرانی انسان دوره مدرن در نامکان‌ها، نیاز او را دمی آسودن در مکانی دارای روح جدی‌تر می‌کند. با توجه به اهمیت وجوه نامحسوس معماری، روش کلی تحقیق روشی کیفی با استعانت از استعاره خواهد بود. در نتیجه این تحقیق به این مطلب می‌رسیم که، ادب حضور یعنی توجه به نیازهای اثر، چونان موجودی سال‌خورده، و درک شرایط مناسب حضور در محضرش، همچون محضر یک مربی، و تداوم در حضور به جای بازدیدهای موزه‌ای و عدم مداخله کالبدی بی‌جا است.

رویکرد معناشناختی این مقاله به تعامل انسان و اثر تاریخی معماری و اهمیت توجه به روح مکان اثر در این ارتباط نیازمند فراتر رفتن از نگاه رایج به این آثار- که عموماً مسائل فنی و تکنیکی اثر تاریخی معماری را شامل می‌شود- است. در زنده‌انگاری آثار تاریخی معماری، بدون توجه به قدمت معنادر و نقش روایی آن‌ها در تاریخ فرهنگ ایرانی، فقط به کلیات پرداخته می‌شود و هیچ نتیجه کاربردی در پی نخواهد داشت. به منظور تفسیر این حیات، علاوه بر رجوع به فضای اثر، در ادبیات عرفانی ایران نیز می‌توان وجوهی از حیات هنری فرهنگ ایرانی را جستجو کرد. زیرا رجوع انسان امروز به اثر تاریخی ادب حضور می‌طلبد و امتداد حیات پویای اثر تاریخی نیز مستلزم حضور انسان مؤدب است. این نیاز دوسویه تضمین‌کننده برقراری ارتباط اثر تاریخی و انسان به منظور ارتقای سطح کیفی حیات هر دو است؛ زیرا ادامه حیات اثر تاریخی بی‌حضور انسان امری محال است و در رشد و بالندگی انسان، بدون برقراری ارتباطی از جنس هویت، رابطه

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری نویسنده مسؤل است که با عنوان ادب حضور در محضر اثر تاریخی به مثابه پیر با راهنمایی استادان راهنما دکتر هادی ندیمی و دکتر رضا ابویی در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری مرمت بنا، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان. نویسنده مسؤل؛

sajad_moazen_166@yahoo.com

3. H_nadimi@sbu.ac.ir

4. r.abouei@aui.ac.ir

پرسش‌های تحقیق

۱. چگونه می‌توان با نگاه استعاری به رابطه معماری و ادبیات شرایط حضور انسان در اثر تاریخی معماری را تعریف کرد؟

۲. چگونه می‌توان ادب حضور در بناهای تاریخی را با دادن تعریفی جامع از حیات این آثار تبیین کرد؟

و تاریخ سر از ناکجاها در خواهد آورد. موضوع این مقاله تعریف ادب حضور و مراتب مختلف آن و ذکر اهمیت آن برای برقراری ارتباط انسان با آثار تاریخی معماری ایرانی است. در صورتی که این ادب تعریف و رعایت شود، آثار تاریخی معماری می‌توانند نقش مربی را در جامعه ایفا کنند، چرا که آن‌ها یادآور زمانی هستند که در خلق فضا به روح انسان اهمیت داده می‌شد و روح مکان امروز اثر نیز حاصل همین ارجحیت معمار اثر، به علاوه زندگی سالم انسان‌های درون اثر در طول حیات اثر، بوده است. دلیل پرداختن به این موضوع کمرنگ شدن اهمیت اصل «سلسله‌مراتب» در زندگی انسان امروز است. زیرا رعایت «سلسله‌مراتب» دسترسی به هر مفهومی (مکان یا شخص یا دانش خاص و هر آنچه که در زندگی سنتی نیاز به طی طریق دارد)، در دنیایی که تکنولوژی و ارتباطات بی‌واسطه بر فضای زندگی انسان حکومت می‌کند، رنگ باخته است. این امر از یک سو، انسان را در دستیابی به مقدمات رشد مددکار است و از دیگر سو، باعث ناآگاهی و جهل از ارزش مفهوم در دسترس است. مثالی ساده عمق مطلب را روشن می‌کند، طلاب برای حضور فیزیکی در کلاس درس علمای بزرگ باید رنج سفر و غربت را به جان بخرند و در حجره‌ای حقیر زندگی کنند و هر روز ساعتی خاص در سرما و گرما در محضر استاد حاضر شوند، اما امروز کلام بسیاری از همان علما در فضای مجازی در دسترس است و با همین گوشی همراهی که در اختیار همه است می‌توان در هم موقعیت و مکان و حالی، مجازاً در درس آن استاد حاضر شد! اما آیا چنین حضوری اثرات آن حضور سنتی و دیدار را دارد؟ تفاوت این دو نوع حضور تعیین‌کننده اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع (ادب حضور) است. بنا بر این در صورتی می‌توان از آثار تاریخی معماری ایرانی آموخت که، ادب حضور در مواجهه با آن‌ها در ابتدا بازتعریف و سپس رعایت شود. پس هدف اصلی این مقاله استفاده از ظرفیت پنهان آثار تاریخی معماری ایرانی است. متروک و مهجور ماندن آثار تاریخی معماری و ناشناخته ماندن کیفیت‌های نهفته در آن‌ها از یک سو و حیرانی و گرفتاری انسان دوره مدرن در نامکان‌ها (آن‌طور که اژه می‌گوید: «اگر بتوان مکان را، هویت‌مند، رابطه‌مند، و تاریخی، تعریف کرد، فضایی که نتوان آن را، هویت‌مند، رابطه‌مند، و تاریخی، تعریف کرد، نامکان است»^۵) و استقلال و آزادی بیش از حد او که منجر به تنهایی و انزوا شده است، نیاز او را به دمی آسودن در مکانی امن، دارای روح و قابلیت تعامل جدی‌تر می‌کند.



کردن با چیزی آشنا تر. استعاره توصیفی است که از طریق تشبیه یک پدیده به پدیده‌ای دیگر، که با هم وجوه مشترکی دارند، به روشن شدن ذهن و شناخت ناشناخته‌ها کمک می‌کند.^۶

دیدگاه استعاری به پدیده اثر تاریخی معماری باعث شناخت بهتر اثر، به کمک پدیده‌های مشابه، می‌گردد. اثر تاریخی معماری، به دلیل گذر عمر، با سال‌خوردگان و همچنین، به دلیل نقش تربیتی خود، با پیر و مراد در ادبیات عرفانی ایران وجوه اشتراکی دارد که بر اساس آن‌ها می‌توان با نگاهی استعاری ادب حضور در محضر آن‌ها را به اثر تاریخی معماری تعمیم داد. تنوع منابع: نکته قابل ذکر این است که، در یک نگاه کلی، منابع مورد استفاده در این مقاله متنوع هستند و گاه تمایز و تفاوت بنیادی با هم دارند و همین مسئله نیز سیر استدلالی مقاله را پیچیده کرده است. اما با توجه به استعاری بودن ماهیت مقاله- که در آن به بررسی دو حوزه مختلف پرداخته شده (ادبیات و معماری)- و همچنین گستردگی معنایی کلمه اصلی مقاله- ادب- در فرهنگ ایرانی اسلامی گریزی از رجوع به همه حوزه‌ها نیست. و مسئله مهم این است که، هرچند منابع با هم متمایز به نظر می‌رسند، اما در کلام اصلی مقاله- اهمیت ادب حضور- همه با هم مشترک هستند و تنوع منابع خود شاهدهی بر اصالت موضوع مورد نظر است.

۳. درک مجدد روح مکان آثار تاریخی معماری ایرانی

بسیاری از اموری که امروز افسانه‌وار تلقی می‌شود، در نظر قدما چنین نبوده و در نظر کسانی هم که، با استفاده از گنجینه معارف سنتی، مفاهیمی را حفظ کرده‌اند- که با آنها می‌توان چهره عالم از دست رفته را بازیافت و خطوط اصلی چهره عالم آینده را پیش‌بینی کرد- چنین نخواهد بود.^۷ مبحث مورد نظر مقاله حاضر- ادب حضور در محضر اثر تاریخی معماری- بر اساس بیان فوق در فضای علم امروز مهجور

برای نیل به اهداف مقاله مهم‌ترین منابع در دسترس (که راوی اصل ادب حضور در زندگی سنتی هستند) را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. روایات و سیره زندگی اولیاءالله.
۲. ادبیات منظوم و منثور فارسی و ارتباط مریدان با مراد خویش.
۳. مطالعه و تحلیل طرح‌اندازی خود آثار تاریخی معماری ایرانی و سلسله‌مراتب حاکم بر تفکر شکل‌دهنده آن‌ها از خانه‌ها تا مکان‌های مقدس.

۲. روش تحقیق

با توجه به کیفی بودن ماهیت موضوع و اهمیت وجوه نامحسوس معماری، روش کلی تحقیق روشی کیفی خواهد بود. بر همین اساس با روش توصیفی به واژه‌شناسی مختصر «ادب» خواهیم پرداخت و سپس با روش تطبیقی شناخت حاصل شده را به عالم کالبدی معماری وارد خواهیم کرد. لازم به ذکر است که «دیدگاه استعاری به پدیده مورد نظر- اثر تاریخی معماری- عامل اصلی شکل‌گیری چارچوب مقاله و روند پیشرفت آن است». برای تأکید بر اهمیت استعاره لازم به ذکر است که:

استعاره به معنی «به عاریت گرفتن» می‌باشد و یک صنعت ادبی است که از ویژگی‌های مشترک دو پدیده برای توضیح ابعاد نامأنوس پدیده دیگر استفاده می‌شود. اما امروزه استعاره مقوله‌ای صرفاً مرتبط با زبان نیست، بلکه یک فرایند مرتبط با اندیشه است. استعاره حامل بسته‌های معناشناختی است. مهم‌ترین کارکرد شناختی استعاره فراهم ساختن درک یک مفهوم انتزاعی از طریق مفهومی ملموس‌تر است. سیستم فکری ما اساساً ماهیتی استعاری دارد. استعاره ابزاری است برای درک بهتر و فهم درست‌تر پدیده‌ها و واقعیت‌ها که با محسوس کردن مفاهیم انتزاعی و زندگی بخشیدن به احساسات پیچیده و گنگ پا به میدان می‌گذارد. گزاف نیست اگر بگوییم درک هر پدیده عبارت است از دست یافتن به استعاره‌ای برای آن، از طریق جایگزین

۶. مسعود بینش، «زبان مجازی و تفکر استعاری»، ص ۷۰.
 ۷. رنه گنون، سیطره کمیت و علائم آخر الزمان، ص ۴۹.

بی‌توجهی به روح مکان اثر تاریخی معماری و شناخت وجوه مختلف آن و توجه صرف به کالبد اثر نیافتن درک صحیح از اثر را در پی دارد.

وقتی که ما به اثری هنری می‌نگریم، مکالمه و تعاملی بین وجه زیبایی‌شناسانه اثر هنری و چشمان ما برقرار می‌گردد. تمرکز بر وجوه مادی اثر هنری، فراتر و بیشتر از وجوه هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه، کاهش ارزش آثار هنری اشیا را در پی دارد.^۸

به گفته هوسرل، سردمدار جنبش پدیدارشناسی اعتراض فکری بر ضد مدرنیته و پیامدهای آن بود:

علم مدرن با نگاهی یک‌سویه به پدیده‌ها، با آغاز کردن دنیایی که خود ساخته بود، تعادل حاکم بر پدیده‌ها را به نفع قوانین از پیش معین شده‌ای، که بر هستی تحمیل کرده بود، بر هم زد و تفکر ابزارمدارانه را بر امور و پدیده‌ها حاکم کرد. معماری نیز از این قاعده مستثنا نبود. نتیجه تحکم این تفکرات بر معماری از میان رفتن محتوای شعرگونه واقعیت و غوطه‌وری انسان در قدرت لایزال فرمول است.^۹

این مقاله تلاشی است برای مقابله با این پیامدها، بر اساس شناخت روح مکان اثر تاریخی معماری ایرانی، که نقش مربیگری آن‌ها را متذکر می‌شود. برای تعامل بهتر با اثر در مقام مربی می‌توان با نگاهی استعاری از مبحث ادب حضور در پدیده‌های مشابه کمک گرفت. آنچه تا کنون مطرح شد در واقع مقدمه‌ای برای بیان کلام اصلی مقاله - یعنی ادب حضور- است.

۴. تعریف ادب

- گفتار بزرگان دین: حضرت امیرالمومنین (ع) فرمودند:

بدان که از برای حضور در محضر هر بزرگی ادبی است که اگر شخص حاضر مراعات آن ادب را نکند از عنایات خاصه آن محضر بهره‌مند نشود. بلکه بسا باشد که مورد غضب و نکوهش صاحب محضر قرار گیرد تا آنجا که از لیاقت حضور بیفتد و

مانده است و نیازمند رجوع به علوم دیگر برای شناخت و درک بهتر است. به تجربه ثابت شده که ورود به عرصه شناخت و مداخله در آثار تاریخی، بدون توجه به چگونگی تفکر تک‌وجهی انسان آکادمیک امروز، قدم نهادن در امتداد مسیری است که حاصل آن جز مغفول ماندن ارزش‌های آثار تاریخی معماری و متروک و ویران شدن آن‌ها نخواهد بود. برای شناخت مجدد و برقراری پیوند انسان و اثر باید متذکر شد که رعایت ادب در همه شئون زندگی و در مواجهه با کالبد معماری ارزشی معنوی دارد و از مهم‌ترین گنجینه‌های فراموش شده فرهنگ ایرانی است.

برای درک بهتر شرایط حضور مؤدبانه در اثر شناخت جامع اثر- کالبد و روح- لازم است. از آنجا که حضور در فضای اثر حاصل مواجهه با کالبد اثر است و حضور آگاهانه در فضای کالبدی اثر، بدون درک از روح مکان اثر، ناقص است، بنا بر این شناخت روح مکان اثر تاریخی معماری برای پیوند بهتر انسان و اثر لازم است. روح مکان موضوع پایه هر رساله‌ای است که قصد ورود به موضوع وجوه کیفی و فراکالبدی معماری را داشته باشد. در اولین بند اعلامیه کیک که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد و به موضوع روح مکان در آن پرداخته شده است، بر اهمیت میراث ناملموس تأکید شده است:

روح مکان از میراث ملموس (سایت‌های تاریخی، ساختمان‌ها، مناظر، راه‌ها، و اشیا) و میراث ناملموس (خاطرات، داستان، اسناد مکتوب، آئین‌ها، بزرگداشت، آداب و رسوم، دانش سنتی، بافت، رنگ، و بو) ساخته شده است، که همه به طور قابل‌توجهی به ساخت مکان و روح‌دار شدن آن کمک می‌کند. ما اعلام می‌کنیم که میراث فرهنگی ناملموس معنای غنی‌تر و کامل‌تری به میراث- به مفهوم یک کل- می‌دهد و باید آن را در همه قوانین مربوط به میراث فرهنگی و در همه پروژه‌های حفاظت و مرمت آثار تاریخی، سایت‌ها، مناظر، راه‌ها، و مجموعه‌ای از اشیا به حساب آورد.

8. Nicholas. Stanley Price, *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage*, p. 4.

۹. کریستیان نورنبرگ- شولتز، معماری: معنا و مکان، ص ۱۶.



رعایت آن‌ها بر سالکان طریقت لازم است. در واقع در مقدمه راه برای مرید شدن باید شخص مقدماتی فراهم کند؛

آدابی که اهل طریق را علی‌الجمال در نفس خود می‌باید و آن محافظت دل است و محافظت هفت عضو: چشم و گوش و زبان و دست و شکم و فرج و پای.^{۱۵}

ادب عبارت است از تحسین اخلاق و تهذیب اقوال و افعال. چون افعال دوگونه‌اند: افعال قلوب یا نیات که اموری باطنی‌اند و افعال قوالب یا اعمال که به ظاهر مربوط می‌شوند. پس ادیب کامل کسی است که ظاهر و باطنش به محاسن اخلاق و اقوال و نیات و اعمال آراسته باشد. از این روست که خواجه عبدالله انصاری گفته است: الادب تهذیب الظاهر و الباطن.^{۱۶}

حقیقت ادب، گرد آمدن خصلت‌های نیکو در سالک است. ابونصر سراج در شرح این خصلت‌ها می‌گوید: «ادب ریاضت نفس و تأدیب جوارح و نگاهداشت حدود و ترک شهوات است».^{۱۷}

– **تعریف مورد نظر مقاله از ادب بر اساس جمع تعاریف بالا:** دو تعریف کلی بر اساس آنچه ذکر شد از ادب قابل برداشت است: صورتی از ریاضت (رنج) برای رسیدن به مقاصد اعلیٰ (در دیدگاه متصوفه) و ترتیبی از رفتارها (همراه با ظرافت و بهترین شکل انجام هر کاری) در تحقق یک رویداد. هرچند که به نظر این دو تعریف با هم متفاوتند، تعریف اول کمتر از تعریف دوم نمود و ظهور در عالم خارج دارد، اما در کنه خود یکی هستند و هر دو بیان‌کننده مراتب و مراحل راهی برای رسیدن به مقصدی هستند. پس ادب را می‌توان چنین تعریف کرد: «مجموعه قواعد و رسوم و وظایفی که در مواجهه انسان با پدیده‌ها باعث نیل او به سعادت دنیوی و اخروی می‌شوند».

ادب حضور اصلی کلی در برقراری ارتباط با هر موجود است و شأن خاصی دارد. لزوم رعایت ادب به منظور درک محضر هر آنچه بهره‌ای از معنا برده است، چنین توجیه می‌شود که، صاحب معنا گوهر معنا را به آسانی در اختیار کسی قرار

به کلی مطرود درگاه شود. بی‌ادبی موجب رانده شدن است، «هرکس که در بساط بزرگان ادب نگاه ندارد، بدر آستانش برانند و اگر ادب آستانه را نیز نداشت سیاست چهارپایانش کنند». ما به اندکی از ادب نیازمندتریم تا به بسیاری از علم.^{۱۸}

امیرمؤمنین^(ع) فرمودند: «ادب باعث رشد فهم و ثمر دادن ذهن است. حفظ حد و اندازه هر چیزی و تجاوز نکردن از آن را ادب آن چیز گویند».^{۱۹}

ابوهاشم جعفری گوید:

خدمت امام رضا^(ع) بودیم و درباره خرد و ادب سؤال کردیم. فرمودند: خرد موهبتی است از خدا و «ادب به رنج کشیدن است»، کسی که رنج تحصیل و پرورش کشد به ادب دست یابد.^{۲۰}

– **تعریف ادب در لغت‌نامه دهخدا:** ادب در لغت به معنی ظرف و حسن تناول است. به معنی کیاست مطلق یا ظرافت در لسان یا برائت و ذکاء قلب یا حذاقت. به تعبیر بعضی نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری. ادب عبارت است از هر ریاضت ستوده که به واسطه آن انسان به فضیلتی آراسته می‌گردد.

– **گفتار علامه طباطبایی درباره ادب:** علامه طباطبایی درباره معنای ادب می‌گوید:

«ادب هیئت نیکو و پسندیده‌ای برای اعمال انسان است که سزاوار است رفتار مشروع دینی یا عقلایی بر مبنای آن شکل گیرد، مانند آداب دعا و آداب دیدار دوستان».

از منظر علامه ظرافت‌های هر کاری را ادب آن کار می‌گویند. بهترین شکل ممکن هر عمل را ادب آن گفته‌اند^{۲۱} علامه زیبایی را بن‌مایه ادب می‌داند.

– **عرفا و متصوفه:** «ادب آن است که خود را بشناسی».^{۲۲} آداب، در اصطلاح صوفیه مجموعه قواعد و رسوم و وظایفی است که

۱۰. احمد فهری زنجانی، پرواز در ملکوت، ص ۴۱.

۱۱. فضل‌بن حسن طبرسی، الادب الدینیة للخرانه المعینیه، ص ۲۰۰.

۱۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ص ۶۷.

۱۳. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۶ ص ۲۵۶.

۱۴. احمد جامی، نفحات الانس، ص ۴۶.

۱۵. حسین واعظ کاشفی، فتوت‌نامه سلطانی، ص ۳۲۰.

۱۶. محمود بن علی کاشانی، مصباح الهدایه، ص ۲۰۳.

۱۷. هجویری، کشف المحجوب، ص ۴۴۴.

نمی‌دهند. در *اسرار التوحید* چنین آمده: «مشایخ کتمان اسرار خویش کرده‌اند».^{۱۸} در *نفحات الانس* آمده: «ذوالنون مصری را گفتند: مرید کیست و مراد کیست؟ گفت: مرید می‌طلبد با او صد هزار نیاز و مراد می‌گریزد با او صد هزار ناز».^{۱۹}

ز پیر میکده عمری در التماس شدم

که خاک در گه دیر فلک اساس شدم^{۲۰}

برای روشن شدن اهمیت موضوع، رعایت ادب حضور و جاری بودن این مفهوم در زندگی مردم در سه بخش مختلف آن را بررسی می‌کنیم. طبیعتاً بسیاری از این توصیه‌ها کلی هستند و قابل تعمیم به دیگر شئون زندگی انسان. از طرف دیگر، اهمیت و جایگاه خاصی که آثار تاریخی معماری در زندگی انسان امروز دارند و درک این جایگاه و برقراری ارتباط و بهره‌مندی از مواهب حضور این آثار در زندگی انسان امروز مستلزم شناخت ماهیت این آثار و روح حاکم بر آن‌ها و نقش «پیر» گونه و «پیامبر» گونه آن‌ها در جامعه امروز است. موضوع ادب حضور در محضر این آثار اهمیت شایانی دارد. در صورت رعایت نشدن ادب حضور و تماس نابخردانه با این آثار، که ناشی از شناختن ماهیت آن‌ها است، سطح ارزش‌های آن‌ها در حد ارزش‌های صرفاً کالبدی و موزه‌ای تنزل می‌یابد.

از آن زمان که انسان مدرن ارتباط خویش را با معنا و معنویت تاریخ گسست و هویتش را در ماده و دنیا جستجو کرد، موزه‌ها مأموریت احراز یا جعل هویت برای انسان را در دست گرفتند.^{۲۱}

۵. حضور

علاوه بر کلمه ادب که باید تعریف و جایگاه آن در مقاله مشخص می‌شد، کلمه حضور نیز بار معنایی گسترده‌ای دارد و از آنجایی اهمیت دارد که عامل برقراری انسان با اثر تاریخی حضور در اثر است. در واقع چگونگی حضور به اثر و حتی انسان حاضر در اثر اصالت می‌دهد.

۱۸. محمد بن منور، *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، ص ۲۰.
 ۱۹. احمد جامی، همان، ص ۳۷.
 ۲۰. هلالی جغتایی، *دیوان هلالی جغتایی*، غزل شماره ۲۳۲.
 ۲۱. محمد نقی‌زاده، «قرابت فضاهای سنتی با طبیعت انسان»، ص ۱۷۱.
 ۲۲. محمود خاتمی، *پدیدارشناسی هنر*، ص ۱۹۵.

اگر حضور خود وجود است و مُدرک ساحت حضور اثر هنری است و از سویی دیگر، اگر اثر هنری چیزی (یعنی وجود) را به ظهور می‌رساند، پس این حضور است که هم مُدرک و هم اثر هنری را بنا می‌کند. در این حال، درون‌فهمی (یعنی برقرار کردن نسبت‌های موجود در درون عالم اثر هنری) طریقی است برای حضور و نیز بنا کردن عالم اثر هنری، که بر مُدرک ظهور می‌کند.^{۲۳}

پس از محرز شدن تعاریف فوق حال به بررسی ادب حضور در سه وادی ذکر شده می‌پردازیم.

۵. ۱. سیره اهل بیت، روایات و آداب حضور در محضر اولیاءالله

۵. ۱. ۱. آداب زیارت

حرم‌های معصومین، آداب خاصی برای تشریف به زیارت و سلسله‌مراتب حضور، از لحظه قصد حرکت تا مجاور قبر شریف و پس از آن، هستند. زیارت و حضور در مکانی، با شأن والا، احکام و آدابی دارد و همه امور ظاهری آن باطن دارند. برای پی بردن به هدف این عبادت باید متخلق به آدابی شد که آن‌ها به چهار دسته تقسیم قابل تقسیم هستند:

۱. آداب پیش از سفر
۲. آداب قبل از تشریف
۳. آداب حین تشریف
۴. آداب وداع

۵. ۱. ۲. رعایت حق عالم و ادب در محضر ایشان

امیرالمونین^(ع) فرمودند:

از حق عالم است که بسیار از وی نپرسی و جامه‌اش را نگیری و چون نزدش درآیی و کسانی با او باشند، بر همه درود فرستی و او را به تحیت مخصوص گردانی. پیش رویش نشینی و از طول صحبتش دل تنگ نشوی، چون عالم همانند نخل خرما است، باید منتظر باشی تا از آن برایت چیزی فرو افتد. عالم مزدش از روزه‌گیر شب زنده‌دار و جنگجوی در راه خداوند بزرگ‌تر است.



۵. ۱. ۵. ادب حضور در اسلام

ادب حضور در اسلام گستردگی وسیعی در کاربرد دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به آداب زیارت، محضر عالم، مکان مقدس، و وقت قرائت قرآن اشاره کرد. و فقط به آداب جسمانی محدود نمی‌شود و خضوع و وفور حضور قلب را نیز در بر می‌گیرد. بر همین اساس در گستردگی تعریف ادب حضور، در اسلام نیز، عالم را محضر خدا^{۲۶} گفته‌اند، به این معنا که هر لحظه‌ای از حضور انسان در عالم بدون رعایت ادب متناسب شأن آن لحظه و مکان کوتاهی و قصور است.

الف. ادبیات منظوم و منشور فارسی و ارتباط مریدان با مراد و پیر خویش: در صورتی که با دیدگاهی استعاری آثار تاریخی معماری ایرانی را پیر و انسان حاضر در اثر را مرید در نظر بگیریم، با بهره‌گیری از ادبیات عرفانی منظوم و منشور غنی فارسی، چگونگی تعامل صحیح انسان با اثر معماری بر اساس ادب مشخص می‌شود. دلیل استفاده از این استعاره را چنین می‌توان بیان کرد: «پیر صورت شکل‌یافته عقل است».^{۲۷} در نگاه فراکالبدی ابن سینا، حکیم سنایی، و سهروردی در یک توالی تاریخی، پیر به منزله عقل فعال است که به صورت شخصی نورانی در ساحت ملکوتی دیده می‌شود. «فارابی عقل فعال را واهب الصور می‌نامد، بدین معنا که عقل فعال به طور دائم به اشیای جهان ماده شکل و صورتشان را افاضه می‌کند و پرتو و انعکاسی از این فعل و انفعالات را در عقل بشر منعکس می‌سازد. بنا بر این عقل فعال را می‌توان باطن همه امور معنوی قابل‌شناخت دانست».^{۲۸} اثر تاریخی معماری (نیز مشابه پیر) نمودی از عقل فعال است. و به گونه‌ای خلق شده که قرن‌ها به حیات خویش ادامه دهد و ماندگار بماند. و بر همین اساس قابل‌قیاس با پیر است و شرایط ایفای برخی از نقش‌های پیر را در جامعه دارد.

در پاسخ بر او پیش‌دستی نکنی، و چون اعراض کرد پافشاری نکنی، و «به دامن وی نیاویزی چون خسته شد» و در مجلس وی حرکت نکنی و «از نهانش جستجو ننمایی و سر و رازش را پخش نکنی و زمانی که عالمی بمیرد در اسلام رخنه‌ای پدید می‌آید که تا روز قیامت پر نمی‌شود».^{۲۳}

۵. ۱. ۳. ادب حضور در مکان مقدس

حضرت صادق (ع) در باب دخول مسجد فرمودند:

هرگاه به درب مسجد رسیدی، پس متوجه باش که تو به درگاه سلطان بزرگی رسیده‌ای، و به بساط او پای نمی‌گذارند، مگر آنان که ظاهر باشند، و برای مجلس و مجالست او اذن داده نمی‌شود، مگر کسی که درست‌کردار و راستگو باشد. پس هنگام ورود به پیشگاه با عظمت سلطان، مراقب خود بوده و از هیبت و جلال او خود را حفظ کن، و متوجه باش که تو اگر در انجام آداب و وظائف لازم کوتاهی کنی، در مورد خطر بزرگی هستی.^{۲۴}

۵. ۱. ۴. لزوم خضوع و فراغت قلب در حضور

فهم حقایق و معارف قرآن متوقف به شهود اسما و صفات الهی است، زیرا اکثر مطالب و آیات این کتاب آسمانی ارتباط مستقیم با اسما و صفات دارد، و تا این حقایق، آن‌طوری که واقعیت دارند، مشهود نگردند، تفسیر قرآن تفسیر به رأی است، و همه معارف الهی متنزل و منطبق به افکار و فهم خواننده خواهد شد. پس قاری قرآن اگر اهل معرفت و شهود نیست: لازم است «با خضوع کامل و فراغت قلب و در محل خالی و آرامی شروع به قرائت کند»، و توجه کامل به خصوصیات تعبیرات بکند و ممکن است با حفظ این شرایط، از اسرار و لطایف کلمات خداوند متعال به اندازه اقتضای حالش استفاده کند.^{۲۵}

۲۳. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ص ۴۶.

۲۴. حسن مصطفوی، مصباح الشریعة، ص ۵۰.

۲۵. حسن مصطفوی، همان، ص ۶۱.

۲۶. «وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَلْمُهَا (انعام: ۵۹) هیچ برگ‌گی از درخت نمی‌افتد، الا اینکه خداوند از آن آگاه است.

۲۷. شهاب ولی، «مفهوم پیر در فرمان منسوب به امام صادق (ع)»، ص ۶۹.

28. R. Waltera, *Alfarabi on the Perfect State, Abu Nasr alFarabi Mabadi Ara Ahl al Madina Alfadila*, p. 243.

– مُدرک باشد، یعنی دریابنده و تیزهوش و زیرک تا اشارت طریقت را بهزودی دریابد.

– چون به نظر پیر رسد ترک عادات و حالات خود گیرد تا به هرچه پیر فرماید، بدان مشغول گردد.^{۳۰}

اگر پرسند که واجبات مرید چند است؟ بگوی: چون دست به دست پیر دهد خود را مرده سازد و دست اختیار از همه چیزها کوتاه کند و پیر را حاکم کلیات و جزئیات خود داند. اگر صد هزار کس را ببند که هریک به صد هزار مرتبه از پیر وی زیاده باشند، روی از پیر خود نگرداند و به دیگری التفات نفرماید.^{۳۱}

گر تو مریدی مرده شو چون مرده نزد مرده‌شور تا زندهٔ دایم شوی کوری چشم گورکن

بسیار کس از میدان بوده‌اند که هرگز نام پیران نبردندی تا دهن به گلاب نشستندی و جماعتی بوده‌اند که هرگز نام پیر خود نبرده‌اند.

قومی همه عمر خویش در روزه کند قومی دگر از کلاه خود موزه کنند.^{۳۲}

پ. در آداب مرید با شیخ:

۱. ثبات عزیمت بر ملازمت صحبت شیخ.
۲. تسلیم تصرفات شیخ شدن.
۳. ترک اعتراض (هر مریدی که در وی ستیزه و لجاج و پیکار بود از وی هیچ چیز نیاید. مشابه حکایت موسی^(ع) و خضر^(ع)).
۴. سلب اختیار (در بعضی طریقه‌ها از مرید می‌خواسته‌اند که دل خود را دایم بر شیخ ببندد، کاری که به آن «ربط القلب بالشیخ» می‌گفتند).
۵. اصغای صمغ با کلام شیخ (معرفت از بالا فرود آید، چون مرغ پروازکنان، تا دلی ببند که در او شرم بود و حیا، آنجا فرود آید).
۶. غض صوت.
۷. منع نفس از تبسط. (درویشی که از دل وی شیرینی چیزی از دست مردمان فراستدن نیفتد، از وی هرگز فلاح نیاید).

اساس راه دین را بر ادب دان

مقرب از ادب گشتند مردان

ادب شد اصل کار و وصل هجران

هم او شد مایهٔ هر درد و درمان

بچشم حرمت و تعظیم در پیر

نگه کن در همه کین هست توقیر

بجان میکوش در تعظیم هر پیر

که تا در دل نیابی زحمت از پیر

نگهدار ادب شو در همه حال

که تا مقبول باشد از تو اعمال

چو اعمال تو با آداب باشد

ترا صد گونه فتح الباب باشد

همیشه بی‌ادب مهجور باشد

مدام از حضرت حق دور باشد

به ترک یک ادب محبوب گردی

یقین با صد هنر معیوب گردی

چو باشی با ادب یابی معانی

چو باشی بی‌ادب زو باز مانی^{۳۹}

ب. مرید (یکی از راه‌های تعریف ادب حضور در محضر اثر تاریخی معماری، تعریف انسان به عنوان مرید در محضر اثر به عنوان پیر است): مرید باید پیش پیر خودنمایی نکند و حتی سجاده پهن نکند.

اگر پرسند که مرید را چند صفت باید تا مریدی را شاید؟ بگوی: – عاقل و طالب باشد، که اگر عاقل نباشد سخن را درنیابد و بر او تکلیف نباشد.

(عطار در مصیبت‌نامه سالک را فکرت می‌خواند، و تأکید می‌کند مراد او فکرت عقلی که کفّار گرفتار آن‌اند نیست، بلکه فکرت قلبی است.)

– صادق باشد، که اگر صدق ندارد معرفت پیر در دل وی جای نکند.

۲۹. در بیان رعایت ادب نک: محمد عصار لواسانی، بیان الارشاد، ۳۰. حسین واعظ کاشفی، همان، ص ۱۹۶. ۳۱. حسین واعظ کاشفی، همان. ۳۲. علی نقی منزوی، نامه‌های عین القضاة همدانی، ج ۱، ص ۱۰۵.



عود و چنگ و نی و دف و بریط

شمع و نقل و گل و مل و ریحان

ساقی ماهروی مشکین موی

مطرب بذله‌گوی و خوش‌الحان

مغ و مغزاده موبد و دستور

خدمتش را تمام بسته میان

من شرمنده از مسلمانی

شدم آنجا به گوشه‌ای پنهان

پیر پرسید: کیست این؟ گفتند

عاشقی بی‌قرار و سرگردان

گفت جامی دهیدش از می ناب

گرچه ناخوانده باشد این مهمان^{۳۷}

شرح این مجلس نشان از ادب حضور خاصی دارد که در آن

هرکس به کاری برای خدمت به جمع تحت نظر پیر مشغول

است و شخص تازه‌وارد و ناآگاه هم در صورتی که ادب کند، از

مواهب مجلس بی‌نصیت نمی‌ماند. «هرکه صحبت دارد بزرگان

را، نه بر طریق حرمت، حرام شود بر وی فایده‌ایشان و برکات

نظر ایشان و از نور ایشان هیچ چیز بر وی پیدا نگردهد».^{۳۸}

توجه به نیازهای اثر تاریخی معماری، به منزله موجودیتی

سالخورده که نیازمند مراقبت‌های خاص است. و همچنین

درک شرایط مناسب حضور در محضر «پیر» و تلاش برای

تحقق آن وظیفه هر طالبی است که در پی کسب ۱. آرامش و ۲.

علم به ودیعه نهاده شده در فضای اثر تاریخی معماری از سوی

گذشتگان است. حافظ نیز شرط ادب را سکوت در محضر یار

دانسته است که لازمه درک محضر اوست؛ و حتی عرض هنر

در محضر او بی‌ادبی است. ادیب، فضل‌فروش نیست.

اگر چه عرض هنر پیش یار بی‌ادبی است

زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است^{۳۹}

۸. معرفت اوقات کلام.

۹. هرچه از شیخ نقل کند بر قد فهم مستمع کند.^{۳۳}

ت. اهلیت و آمادگی دریافت معانی:

– پیر به سالک توصیه می‌کند که برود سر و تن خود را در چشمه

آب روان که به همسایگی چشمه زندگانی است بشوید و از آن

آب بنوشد تا قوتی پیدا کند که بتواند بیابان‌های دراز درنوردد و

در دریای محیط غرق نشود و از بالا رفتن از کوه قاف رنجشی

به وی دست ندهد.^{۳۴}

– مهم‌ترین بخش چنین توصیه‌ای– که در مواجهه با اثر تاریخی

معماری به عنوان پیر نیز لازم‌الاجرا است– لزوم سکوت و

رعایت ادب در محضر پیر و تداوم در حضور اوست. «پراکندگی

مرید او را از حمایت پیر بیرون برد به کلی».^{۳۵}

– «پرسیدم این پیران چرا ملازمت سکوت می‌کنند؟ جواب داد از

بهر آنکه شما را اهلیت مجاورت ایشان نباشد».^{۳۶}

بسیاری از نکات فوق را می‌توان در ترجیع‌بند هاتف

اصفهانی– که یکی هست و هیچ نیست جز او– یافت.

دوش از شور عشق و جذبه شوق

هر طرف می‌شتافتم حیران

آخر کار شوق دیدارم

سوی دیر مغان کشید عنان

چشم بد دور خلوتی دیدم

روشن از نور حق نه از نیران

هر طرف دیدم آتشی کان شب

دید در طور موسی عمران

پیری آنجا به آتش افروزی

به ادب گرد پیر مغبچگان

همه سیمین عذار و گل‌رخسار

همه شیرین‌زبان و تنگ‌دهان

۳۳. منوچهر مرتضوی، «پیر از نظر

خواجه شیراز»، ص ۱۵۸.

۳۴. ابن سینا، *حی بن یقظان*، ص ۳۶.

۳۵. علی‌نقی منزوی، همان، ج ۲، ص ۴۳۳.

۳۶. شهاب‌الدین سهروردی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ص ۲۱۰.

۳۷. هاتف اصفهانی، *دیوان هاتف اصفهانی*، ترجیع‌بند که یکی هست

و هیچ نیست جز او

۳۸. احمد جامی، همان، ص ۱۴۸.

۳۹. حافظ، *دیوان حافظ*، غزل ۶۴.

شخصی به نزدیکی شیخ ابوسعید ابوالخیر درآمد و نخست پای چپ اندر مسجد نهاد. او را گفت: بازگرد، که هر که در خانه دوست ادب آمدن نداند ما را نشاید که با وی صحبت داریم.^{۴۵}

مرید نباید از فعل پیر و مراد ایراد بگیرد: گاهی ممکن از پیر اعمالی سر بزند که با عقل مرید سازگار نیست، ایراد گرفتن از فعل پیر نشان از بی‌اعتمادی او به پیر دارد و این بی‌اعتمادی خللی است در امر ارشاد مرید از سوی پیر. حتی مرید باید گام فراتر نهد و از پیر خویش در آن فعل تبعیت و پیروی کند.

بدانی مظهر انوار حق را

ز پیر راه جوئی این سبق را

ترا اندر حقیقت ره نماید

ز اسرار ولی آگه نماید

چو دانی بر ره تسلیم او شو

ز هر راهی که فرماید برو شو

پس آنگه اختیار خویش بگذار

بهر امری که گوید گوش میدار

بدو ده دست و برهم نه دو دیده

که تا درحق رسی ای آفریده^{۴۶}

البته لازم به ذکر است که این اخلاق در مرید باید مسبوق به سابقه اخلاقی در مراد باشد و آن جلب اعتماد مرید است. تقلید کورکورانه و بدون اندیشه راه به گمراهی می‌برد، اما اعتماد به پیروی راه‌بلد و آگاه سرانجامش سعادت است.

در مواجهه با اثر تاریخی معماری نیز باید به این موضوع توجه داشت که، ممکن است برخی دلایل و توجیهات ورائی کالبد موجود برای ما موضوعیت نداشته باشد و قابل درک نباشد و نباید هرآنچه که با قوائد زندگی امروزی ما سازگار نیست را ایراد بنا مطرح کنیم، زیرا اگر این اثر از راز ماندگاری بهره‌ای نداشت، در طول قرن‌ها به حیات خویش ادامه نمی‌داد.

هم‌نشینی با هرچه دارای قدمت است، ادب می‌طلبد؛ و رعایت ادب اول قدم راه سالک است.

قدح به شرط ادب گیر زان که ترکیبش

ز کاسه سر جمشید و بهمن است و قباد^{۴۰}

قدم منه به خرابات جز به شرط ادب

که سالکان درش محرمان پادشهند^{۴۱}

حضرت خواجه راه رسیدن به مقامات بالا و برگزیده خدا شدن را ادب می‌دانند؛ ادب و شرم تو را خسرو مه‌رویان کرد.

چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی‌ست

نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود

حافظا علم و ادب و رز که در مجلس شاه

هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود^{۴۲}

علاوه بر همه آنچه تحت معنای اهلیت ذکر شد، مرید باید از غیر بریده باشد و حتی فراتر از آن دلتنگ شده باشد از دنیا و خواهش‌های نفس خود؛

از ابوالحسن الصایغ الدینوری پرسیدند: مرید کیست و صفت وی چیست؟ این آیه برخواند که: وَ صَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَرَظَنُوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ (توبه، ۱۱۸) (آنگاه که زمین با همه گشادگیش بر آن‌ها تنگ شد و جان در نشان نمی‌گنجید و خود دانستند که جز خداوند هیچ پناهگاهی ندارند که بدان روی آورند).^{۴۳}

و عاقبت رعایت ادب؛

جوانان گر ببوسند دست پیران

به پیروی پای بوسندش امیران^{۴۴}

۶. نتیجه رعایت نکردن ادب

بی‌ادبی سالک در محضر پیر او را از مصاحبت با پیر محروم می‌کند.

۴۰. همان، غزل ۱۰۱.

۴۱. همان، غزل ۲۰۱.

۴۲. همان، غزل ۲۰۹.

۴۳. احمد جامی، همان، ص ۱۲۲.

۴۴. شیخ فریدالدین عطار

نیشابوری، مجموعه‌ای از آثار شیخ

فریدالدین عطار نیشابوری: پندنامه -

بیسرنامه - بلبل‌نامه - سی فصل -

نزعت الاحیاب - بیان ارشاد، ص

۱۲۱ (بلبل‌نامه).

۴۵. احمد جامی، نفحات الانس،

ص ۲۱

۴۶. عطار، همان (سی فصل)،

بخش ۶



و در واقع معماری آن‌ها خود زمینه‌ساز التزام به ادب حضور بوده است. بنا بر این می‌توان گفت که شناخت و درک آثار معماری ایرانی، بر اساس تحلیل مراتب در آن‌ها، یکی از آموزنده‌ترین روش‌ها برای یادگیری و اعمال ادب حضور در فضای همین آثار است.

سلسله‌مراتب از سنت‌های اصیل خلق و ایجاد در عالم هستی است. خداوند هم در خلق انسان، طی مراحل بر اساس سلسله‌مراتب خلق کالبدی تا خلق معنوی (خلق جسم و اضافه کردن روح به جسم)، انسان را آفرید (سیر نزول) و شرایط رشد و نیل به کمال او را نیز در قالب طی مراحل (سیر صعود) قرار داد. بر همین اساس «در مباحث مربوط به وجودشناسی، از نتایج نظریه بنیادی وحدت وجود، مبحث سلسله‌مراتب وجود است»^{۴۸}

در معماری ایرانی نیز که معمار دست به خلق فضا می‌زند و در خلق خویش همه تلاش خود را برای ارتباط خلاقیتش با خلق الهی به کار می‌بندد، شناخت سلسله‌مراتب موجود در هستی، تعریف مجدد و درخور آن برای معماری، و ایجاد آن در قالب ساخت کالبد از ضروریات است. تعریف پیش‌فضا و فضاهای واسط برای حفظ محرمیت و دسترسی با واسطه به فضای زندگی و در کل فضای حضور انسان در بنا (سلسله‌مراتب ورود) نوعی رعایت ادب در موقع حضور است. از ادب معماری ایرانی به دور است که انسان را ناگهانی و بی‌آمادگی به فضایی وارد کند. «بنا بر این می‌توان سلسله‌مراتب در معماری ایرانی را چنین تعریف کرد که ایجاد آمادگی در انسان برای حضور در فضای اثر با ایجاد شرایط تدریجی و مرحله‌به‌مرحله جدا شدن از فضای خارج و ورود به فضای داخل نکته مهم در نمود اصل سلسله‌مراتب در معماری ایرانی، ایجاد طیف یا مراحل به‌هم‌پیوسته برای دسترسی به هدف خاص (فضای اصلی اثر معماری)، و حضور در فضا است». بنا بر این در مقایسه با تعریفی که از ادب گفته شد، سلسله‌مراتب در معماری ایرانی به تعریف نکته جالب این است که رعایت این سلسله‌مراتب

چون گرفت پیر هین تسلیم شو

همچو موسی زیر حکم خضر رو

صبر کن بر کار خضری بی‌نفاق

تا نگوید خضر رو هذا فراق

هر که تنها نادرا این ره برید

هم به عون همت پیران رسید

دست پیر از غایبان کوتاه نیست

دست او جز قبضه الله نیست

چون گزیدی پیر نازک دل مباش

سست و ریزیده چو آب و گل مباش

ور بهر زخمی تو پر کینه شوی

پس کجا بی‌صیقل آینه شوی^{۴۷}

آنچه از رابطه مرید و مراد و ادب حاکم بر این رابطه می‌توان برای تعریف ادب حضور در محضر اثر تاریخی معماری استفاده کرد، اهمیت سکوت در محضر اثر است. البته معنی این سکوت فقط بی‌تکلمی یا ایجاد صوت نیست، بلکه آزادی ذهن از هرگونه عیب‌جویی و پذیرش همه شرایط اثر نیز هست. انسان حاضر در محضر اثر تاریخی معماری، چه برای عوام (کسانی که برای کسب آرامش در محضر اثر حاضر شده‌اند) و چه برای خواص (معماران که با سؤال‌های تخصصی از معماری ایرانی و برای آموختن از معماری اثر در محضرش حاضر می‌شوند)، در صورت رعایت ادب، به درک و دریافتی متفاوت از بازدید از اثر تاریخی معماری نائل می‌گردد.

۶. ۱. سلسله‌مراتب حاکم بر تفکر شکل‌دهنده

آثار تاریخی معماری ایرانی

دلیل پرداختن به این مبحث نمود اهمیت ادب در معماری ایرانی است؛ به این شکل که معماران ایرانی، با تعریف سلسله‌مراتب در معماری، بر اهمیت رعایت ادب در فضای معماری تأکید کرده‌اند

۴۷. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول،

بخش ۱۴۰.

۴۸. سیدحسین نصر، نظر متفکران

اسلامی درباره طبیعت، ص ۱۱۴.

و محرمیت حاصل از آن، علاوه بر نتایج شناخته شده، مزایای پنهان دیگری نیز در دنیای مملو از تکنولوژی امروز دارد.

فضای داخلی بسیاری از بناهای مدرن ۲۵ برابر بیشتر از محیط خارجی و فضای آزاد تشعشعات رادیواکتیو دارند. بنا بر این حیات بخشی یا حیات کاهی- سرشار از حیات بودن یا سرشار از ممت بودن- مسئله اصلی معماری است.^{۴۹}

در حالی که این تشعشعات در فضاهاى سنتی کمتر بر انسان اثرگذارند و دلیل آن را در ضخامت دیوارها، نوع پوشش فضاها، مصالح طبیعی مورد استفاده، تمایل کمتر انسان به استفاده از تکنولوژی در فضای هماهنگ با سرشت انسان این معماری، و حضور عناصر طبیعی در کنار عناصر انسان ساز می توان یافت.

۲.۶. سلسله مراتب، تفکیک فضایی، یا پیوستگی فضایی!

اصولاً انتقال و گذر از قلمرویی به قلمرو دیگر به صورت آنی و بدون ایجاد شرایط لازم، اعم از روانی و فیزیکی، نامطلوب است. نکته بسیار مهم در خصوص سلسله مراتب در شهرسازی سنتی پیوستگی فضایی است، با وجود آنکه سلسله مراتب در ذات خود نشان از تفکیک و مرزبندی دارد.^{۵۰}

درواقع ایجاد سلسله مراتب صحیح به معنی ایجاد مانع نیست، بلکه تعریف شرایطی است که انسان در بهترین شکل ممکن در محضر حاضر شود، به بیان دیگر تلاشی است در جهت ایجاد بهترین شرایط حضور و کامل ترین شکل تعامل و هماهنگی با کالبد و روح حاکم بر آن. بر اساس همین اصل کلی نیز، در صورتی که انسان بخواهد به محضر پیر حاضر شود، رعایت شرایط حضور مانع حضور او نیستند، بلکه مانع حضور نامناسب اوست. بنا بر این سلسله مراتب دسترسی در معماری ایرانی تعریف کننده بهترین شکل حضور در باکیفیت ترین فضای بنا است. برای اثبات این ادعا دو مثال مختصر در این زمینه بیان می گردد:

49. C. Day, Places of the Soul, p. 62.

۵۰. محمد کاظم سیفیان و محمد رضا محمودی، «محرمیت در معماری سنتی ایران»، ص ۹.

۵۱. سارا علی مردان لو، «سلسله مراتب دسترسی در باغ شازده ماهان»، ص ۵۰.

- باغ شازده ماهان: تعریف سلسله مراتب در جایی که دو ساحت با تفاوت های فاحش در کنار هم قرار می گیرند- مثل کویر و باغ دارای درخت و آب- نقشی پررنگ در طراحی معماری بازی می کند و این اصل در باغ سازی ایرانی، به این دلیل که اکثر باغ های ایرانی در دل کویر- و برای یادآوری باغ های بهشت- ساخته شده اند و در تقابل شدید با بستر خویش هستند، نمود بیشتری دارد. «وجه تمایز بین باغ و محیط پیرامون معمار ایرانی را بر آن می دارد که این چنین باغی به سلسله مراتبی درخور نیاز دارد؛ تا فرد را برای گذر از کویر به باغ آماده سازد».^{۵۱} سلسله مراتب باغ شازده ماهان را می توان به اختصار چنین تعریف کرد:

(۱) محیط پیرامون، (۲) دیوار باغ،

(۳) محوطه ورودی باغ، چهارباغی کوچک، قبل از عمارت سردر،

(۴) عمارت سردر، (۵) خیابان اصلی باغ،

(۶) عمارت کوشک، و (۷) حیات پشتی.

- خانه عباسیان کاشان: برای شناخت سلسله مراتب طراحی شده در یک بنای معماری می توان چگونگی حرکت انسان در اثر راه، از درب ورودی تا مهم ترین بخش بنا- مثلاً شاه نشین در خانه- بررسی کرد. در خانه های کاشان این مکان ها کاملاً از یکدیگر قابل تفکیک هستند: ۱. عقب نشینی از بر گذر اصلی در محل درب ورودی و ایجاد فضایی برای مکث پیش از ورود به خانه، ۲. هشتی دارای طرحی هندسی- و معمولاً ۸ ضلعی، ۳. دالان طویل دسترسی به حیاط یا برخی فضاهاى واسط، ۴. حیاط یا اتاق های متصل به شاه نشین، و ۵. شاه نشین. در عین حال این مکان ها در یک توالی منطقی و غیر محسوس به هم متصل هستند.

۷. نتیجه

مفهوم گسترده ادب حضور، که محضر انسانی بزرگ، مکانی مقدس، وقت عبادت، و توجه قلب را شامل می شود، در معماری سنتی ایرانی بسیار مورد توجه بوده و سلسله مراتبی را تعریف می کرده است. حضور



۳. تداوم در حضور در محضر اثر (ثبات عزیمت بر ملازمت صحبت شیخ): طیف وسیعی از حضور را می‌توان تعریف کرد، از سکونت در فضا تا بازدید شتاب‌زده در مواجهه با اثر تاریخی. هرچند کیفیت حضور در اثر تاریخی در برقراری تعامل بین انسان و اثر مؤثر است، اما افزایش کمیت و زمان حضور و همچنین حضوری هدفمند- به جای بازدیدها و برخورد موزه‌ای- نیز در ارتقای سطح این تعامل نقش بازی می‌کند.

۴. عدم مداخله بی‌جا در اثر برای شناخت زوایای پنهان آن: گاه برطرف کردن نیازهای کالبدی اثر (گمانه‌زنی‌ها و استحکام‌بخشی‌ها) شخص مداخله‌کننده را از روح مکان حاکم بر اثر غافل می‌کند و اثر تاریخی معماری را صرفاً همین کالبد موجود می‌پندارد و به منظور حفظ آن دست به مداخلاتی می‌زند که مخدوش‌کننده آرامش حاکم بر روح پیر اثر است.

در فضای آثار تاریخی معماری ایرانی که عمری بر آن‌ها گذشته و شاهد حضور انسان‌های متعدد در دوره حیات خویش بوده‌اند- و انقباض آن‌ها بر اثر معماری تأثیر گذاشته است- و بهره‌مندی از ظرایف حاکم بر کالبد و روح مکان آن‌ها مستلزم رعایت ادب حضور در محضرشان است. بر همین اساس آثار تاریخی معماری ایرانی زنده و شعورمند هستند و برخی از عناوین ادب حضور لازم برای برقراری ارتباط با آنها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. توجه به نیازهای اثر، به منزله موجودیتی سالخورده، و همچنین درک شرایط مناسب حضور در محضر پیر و تلاش برای تحقق آن. به طور مثال رعایت مراحل مختلف حضور از فضای عمومی به فضای خصوصی، بر اساس سلسله‌مراتب.

۲. سکوت در محضر اثر به منزله «پیر»، که اولین دستاورد چنین سکوتی یادآوری و بازیابی آرامش ازدست‌رفته انسان امروز است.

منابع و مآخذ

- ابن سینا، حسین. *حی بن یقظان*، ترجمه و شرح فارسی منسوب به جوزجانی، تصحیح: هانری کربن، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- اژه، مارک. *نامکان‌ها*، درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته، ترجمه منوچهر فرهومند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۷.
- بینش، مسعود. «زبان مجازی و تفکر استعاری»، در *مجله تدبیر*، ش ۲۰۹ (مهر ۱۳۸۸)، ص ۶۹-۷۳.
- جامی، احمد نورالدین عبد الرحمان. *نفحات الانس من حضرات القدس*، تصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی‌پور، تهران: علمی، ۱۳۷۵.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. دیوان حافظ، تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۵.
- خاتمی، محمود. *پدیدارشناسی هنر*. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
- سهروردی، شیخ شهاب‌الدین یحیی. *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح و مقدمه سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- سفیان، محمد کاظم و محمدرضا محمودی، «محرمت در معماری سنتی ایران»، در *نشریه هویت شهر*، ش ۱ (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، ص ۳-۱۴.
- طباطبائی، محمد حسین. *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن. *الاداب الدینیة للخزانة المعینیة* (آداب دینی)، ترجمه احمد عابدی، قم: نشر زائر، ۱۳۸۰.
- فهری زنجانی، احمد. *پرواز در ملکوت*، تهران: انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۳.
- عزالدین کاشانی، محمود بن علی. *مصباح الهدایه*، به کوشش جلال همایی، تهران، ۱۳۲۳.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. *مجموعه‌ای از آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری: پندنامه- بیسرنامه- بلبل‌نامه- سی فصل- نزهت الاحباب- بیان ارشاد*، تصحیح احمد خوشنویس، تهران: سنایی، ۱۳۷۳.
- علی‌مردان‌لو، سارا و دیگران. «سلسله‌مراتب دسترسی در باغ شازده ماهان»، در *نشریه کتاب ماه هنر*، ش ۱۴۲ (خرداد ۱۳۸۹)، ص ۴۶-۵۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب. *اصول کافی*، جلد ۱، ترجمه جواد مصطفوی،

- تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹.
- گنون، رنه. *سیطره کمیت و علائم آخر الزمان*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
- لواسانی، محمد عصار. *بیان الارشاد*، در: <http://ganjoor.net/attar/bayanolershad/sh17/>
- محمد بن منور. *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۶
- مرتضوی، منوچهر. «پیر از نظر خواجه شیراز»، در *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*، ش ۳۰ (تیر و مرداد ۱۳۳۳)، ص ۱۵۴-۱۸۸.
- مصطفوی، حسن. *مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه در ترکیه نفس و حقایق و معارف الهی*، تهران: انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۶۰.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. *مثنوی معنوی*، تصحیح توفیق سبحانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۹۰.
- منزوی، علی‌نقی. *نامه‌های عین القضات همدانی*، تهران: انتشارات منوچهری، ۱۳۶۲.
- واعظ کاشفی، حسین. *فتوت‌نامه سلطانی*، تصحیح و مقدمه محمدجعفر محجوب، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- ولی، شهاب. «مفهوم پیر در فرمان منسوب به امام صادق (ع)»، در *جاویدان خرد*، سال هفتم ش ۲ (بهار ۱۳۸۹)، ص ۶۳-۸۲.
- نصر، سیدحسین. *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت*، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۹.
- نقی‌زاده، محمد. «قرابت فضاهاى سنتی با طبیعت انسان»، در *نامه فرهنگ*، ش ۵۰ (۱۳۸۲)، ص ۱۶۸-۱۸۴.
- نورنبرگ- شولتز، کریستیان. *معماری: معنا و مکان*، ترجمه ویدا نوروزبrazجانی، تهران: نشر جان جهان، ۱۳۸۲.
- هاتف اصفهانی، دیوان هاتف اصفهانی، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: فروغی، ۱۳۶۹.
- هجویری، علی بن عثمان. *کشف المحجوب*، لنینگراد، چاپ اول، ۱۹۲۶.
- هلالی جغتایی، بدرالدین. *دیوان هلالی جغتایی*، گردآوردگان علی اصغر طاهری و محمد طاهری، مشهد: داریوش، ۱۳۹۲.
- Day, Christopher. *Places of the Soul (Architectural and Environmental Design as a Healing Art)*, Oxford architectural press, 2004.
- Stanley Price, Nicholas. *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage*, Los Angeles: The Getty conservation institute, 1996.
- Waltera, R. *Alfarabi on the Perfect State, Abu Nasr alFarabi Mabadi Ara Ahl al Madina Alfadila*, Oxford: Clarendon press, 1986.
- <http://ganjoor.net/attar/30fasl/sh6/>